



درسنامه نظام‌های اقتصادی

جلسه اول: بحثهای مقدماتی

با نگاهی به تاریخ اقتصادی چند قرن گذشته مشخص می‌شود اندیشمندانی به دنبال فهم این موضوع هستند که چگونه می‌توان طرز کار اقتصاد را بهتر درک کرد و ثروت و شکوفایی در معاش به وجود آورد. این اندیشمندان با شرح و بسط مجموعه‌ای از نظریه‌ها و شواهد به بخش اعظم اقتصاد مدرن و نظام اقتصادی جهان امروز شکل داده‌اند.

سیر اندیشه‌های اقتصادی در کنار شناخت عالمانه و آگاهانه اندیشه‌های پیشینیان، اشراف کاملی را نسبت به موانع و مشکلات و نیز فرصت‌های به وجود می‌آورد.

- ✓ اقتصاد شکلی از تفکرات انسانی برای اداره معاش است که چگونگی استفاده بهینه از منابع محدود را به منظور پوشش نیازهای نامحدود در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف را نشان می‌دهد.
- ✓ اقتصاد جزیی از یک کل پیچیده است.
- ✓ علم اقتصاد با نگاه به واقعیات جامعه و تغییر و تحولی که در هر دوره زمانی رخ می‌دهد شاخه‌ها و انشعابات فرعی بیشتری پیدا کرد و توانست با نیازهای جوامع همخوانی بیشتری یابد.
- ✓ برخی معتقدند اقتصاد بر دو پایه مهندسی و اخلاق استوار است اگرچه در عمل بعد مادی و مهندسی‌اش بر بعد اخلاقی پیشی گرفته است. تا قبل از قرن ۱۳ میلادی تمام بحثهای اجتماعی از جمله اقتصاد از دیدگاه اخلاق بررسی می‌شد.
- ✓ در اغلب مکاتب تنها محرک و مقوم کنش‌های انسانی، نیروهای طبیعی و اراده انسانی در نظر گرفته می‌شود و جایی برای اراده الهی مد نظر نیست.
- ✓ علم اقتصاد از نظر کینز^۱ آمیزه‌ای از شهود، تجربه و منطق است و ناهمگن بودن متغیرهای اقتصادی، تغییرپذیری سریع در آنها و تعدد روابط متقابل میان آنها، مانع از امکان تحلیل دقیق کمی و اندازه‌گیری دقیق می‌شود.
- ✓ به عقیده برخی از صاحب نظران منشأ علم اقتصاد ظهور سرمایه‌داری با محوریت بازار می‌باشد.
- ✓ در عصر حاضر پیگیری نفع شخصی، تکیه بر عقلانیت فردی، بهرمندی از علم و نوآوری محورهای ساماندهی اقتصاد شناخته می‌شوند.
- ✓ نظام، مجموعه منظم عناصری است که میان آنها روابطی وجود داشته باشد و یا بتواند ایجاد شود و دارای یک هدف یا منظور باشد.
- ✓ سیستم اقتصادی برای بیان چگونگی تنظیم و تدبیر معاش مردمان یا براساس اصالت وحی (عقل در خدمت وحی نه وحی ابزاری در دست عقل) و یا براساس اصالت ماده بنا می‌شود که خود نیز تقسیم می‌شود به ۱- مبتنی بر اصالت سرمایه ۲- مبتنی بر اصالت کار (سوسیالیست)

^۱ از اقتصاددانان برجسته قرن بیستم

- ✓ نظام، پدیده و رای اجزاء که گزاره‌های موجود را به هم مرتبط می‌نماید است همانند نخ تسبیحی که دانه‌ها را به هم ربط داده و منظم کنار هم قرار می‌دهد.
- ✓ مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری و پیوندها در جریان تولید، توزیع و مصرف که پیوند منطقی با مبانی و مفاهیم داشته و شرکت کنندگان در عرصه اقتصادی را به یکدیگر و به منابع، در جهت رسیدن به هدف‌ها پیوند می‌زند
- ✓ نظام اقتصادی مجموعه‌ای از نهادهای اقتصادی که چارچوبهای ملکیت عوامل تولید و تخصیص منابع را توضیح می‌دهد همچنین رسیدن به هدف معینی را سامان دهی می‌کند.
- ✓ نهادهای اقتصادی، قواعد و سنتهای تثبیت شده در عرصه اقتصاد است که بایدها و نبایدهای مربوط به نظام را معین می‌کند که به رسمی و غیر رسمی تقسیم می‌شوند
- ✓ یک نظام اقتصادی شامل سازمانها، حقوق، قواعد، سنتها، عقاید، گرایشها و ارزشهایی است که می‌تواند بر رفتارها و اقتصادی اثر بگذارد
- ✓ تفاوت نظام‌های اقتصادی از نوع نگاه آنها به انسان و جهان هستی سرچشمه می‌گیرد. در دیدگاه برگرفته از اومانیزم انسان، محور قرار می‌گیرد لذا حقیقتی برتر از انسان وجود ندارد از این رو همه افکار و اندیشه براساس آزمودن انگاره‌های تجربی معنا می‌یابد و حقیقتی ماورای حیات دنیوی قابل تصور نمی‌باشد. در چارچوب این نظام فکری کنش‌ها و رفتار اقتصادی فرد و جامعه به دور از مبانی صحیح انسان شناختی شکل می‌گیرد. گاهی قائل به اصالت فرد و آزادی اقتصادی وی شده و سبب نفع و بهرمندی بهینه از ظرفیت‌ها را آزاد گذاشتن افراد در تحصیل منافع شخصی می‌دانند و از سوی دیگر گروهی با توجه به کاستی‌ها و تجربه استثمار طبقه ضعیف توسط طبقه مرفه برپایه اندیشه لیبرالیسم قائل به سوسیالیسم و اصالت جامعه شدند تا طبقه محروم نیز از لذت حیات دنیوی بهرمند شود.
- ✓ گرایش به نظام مارکسیستی در برهه‌ای از زمان و گسترش سریع آن در بخشی از جهان معلول شکست نظام سرمایه‌داری در حل معضل اقتصادی بود اما چون این تفکر با مقتضیات لایتغیر وجودی انسان ناهماهنگ بود با سرعتی چند برابر آنچه گسترش یافته بود متلاشی شد. مارکس با قبول ماتریالیسم، انسان را فاقد فطرت دانست و همزمان با اعتقاد به اصالت جمع وجود اراده‌ای مستقل برای انسان را منکر شد در چنین شرایط فکری فعالیت آزاد اقتصادی انسان‌ها ملغی اعلام شد و انسان به یک مهره از ماشین تولید تبدیل گردید و حیثیت انسانی خود را از دست داد و از سوی دیگر انگیزه‌های معنوی در آن چارچوب مورد انکار قرار گرفت لذا در این اقتصاد نه ابتکار، نه انگیزه‌ای برای تولید بیشتر و با کیفیت‌تر و نه آینده‌ای که بتوان به آن امیدوار بود به چشم نمی‌خورد. (شریف آزاده، ۱۳۶۹، ص ۴۵-۴۷)

جلسه دوم

- ❖ **نظام اقتصادی مجموعه‌ای از نهادهای اقتصادی که چارچوبهای ملکیت عوامل تولید و تخصیص منابع را توضیح می‌دهد همچنین رسیدن به هدف معینی را سامان دهی می‌کند.**
- ❖ **نهادهای اقتصادی، قواعد و سنتهای تثبیت شده در عرصه اقتصاد است که بایدها و نبایدهای مربوط به نظام را معین می‌کند که به رسمی و غیر رسمی تقسیم می‌شوند**

❖ یک نظام اقتصادی شامل سازمانها، حقوق، قواعد، سنتها، عقاید، گرایشها و ارزشهایی

است که می‌تواند بر رفتارها و اقتصادی اثر بگذارد

❖ اقتصاد شاخه‌ای از علوم اجتماعی است که به تحلیل تولید، توزیع و مصرف کالاها و

خدمات می‌پردازد. از یک سو مطالعه ثروت (کالاها، خدمات و منابع) است و از سوی

دیگر، مطالعه خود انسان است.

روش‌های بررسی نظام اقتصادی

- انسان به عنوان موجودی متفکر، حساس و بالاراده محور اقتصاد است و رفتار خاص او با خواستن، ارزشیابی و انتخاب در زمینه تولید، توزیع و مصرف توأم بوده و بیشترین مطلوبیت را برای او ایجاد می‌نماید
- علوم انسانی مثل پزشکی، مهندسی و فیزیک نیست که جهان‌بینی و نگرش نسبت به انسان و جهان در آن تأثیر نداشته باشد در مقابل آگوست کنت و کارل پوپر معتقد است روش تحقیق و رویکرد به مسایل علوم اجتماعی متفاوت از علوم طبیعی و ریاضی نیست و در علوم اجتماعی هم به مثابه علوم طبیعی باید از کشف و شهود و قضاوت‌های ارزشی و هنجاری پرهیز کرد لذا تنها روش معتبر تحقیق و شناخت، روش علمی تجربی می‌باشد. البته بسیاری من جمله مارکس و وبر با انتقاد به این تفکر معتقد به تفاوت ماهوی موضوع علوم اجتماعی از موضوع علوم طبیعی و ریاضی هستند.
- به نظر می‌رسد مرز علوم و رشته‌ها باید شناخته شود روش تجربی مناسب علوم پایه و تجربی بوده و برای علوم انسانی از قواعد و روش‌های دیگری باید پیروی نمود.
- نوع نگاه به جهان در شکل‌گیری مکاتب اقتصادی تأثیرگذار است به گونه‌ای که با توجه به دیدگاهی زیستی داروین نگاه تکاملی به نهادها مطرح می‌شود و با نگاه فیزیک نیوتنی در اقتصاد کلاسیک، تغییرات مکانیکی و تکراری است که از قوانین ثابتی پیروی می‌کند
- علوم انسانی، مبتنی بر نگرش مادی و ارزش‌های مادی نمی‌تواند خواسته‌ها و آرمان‌های جامعه اسلامی را برآورده سازد.
- اقتصاددانان و دیگر دانشمندان آلمانی با طرح نفولبرالیسم در دهه ۷۰ میلادی با پایبندی به مذهب مسیحیت و اخلاق انسانی درصدد طراحی نظامی اقتصادی برآمدند که با جامعه آلمان سازگاری کافی داشته باشد. نظامی که نه سیطره بخش خصوصی بر آن حاکم باشد و نه تمامیت‌خواهی بخش دولتی نظامی که رفاه و عدالت را برای اکثریت جامعه به همراه آورد. در نظر آنها اقتصاد ابزاری برای انسانیت است که با عقائد دینی پیوند خورده است.
- تأثیر نگرش مذهبی و اخلاق بر رفتارهای انسان آن قدر گسترده است که میتواند اقتصادی متفاوت بوجود آورد. ماکس وبر معتقد است هر سیستم مذهبی، سیستم اقتصادی خاص خود را معین میکند و به اهمیت اخلاق و مذهب در شکل‌گیری نظام اقتصادی اشاره می‌کند وی علت اصلی رشد و پیشرفت غرب را وجود اخلاق پروتستان مبتنی بر روحیه تلاش و سخت کوشی در کنار روحیه سرمایه‌داری می‌داند

تقسیم نظام براساس

✓ نوع نگاه به انسان و جهان هستی

۱. توجه به خالق و ارتباط از طریق وحی
۲. اومانیزم و انسان محوری که همه افکار و اندیشه براساس آزمودن انگاره‌های تجربی معنا می‌یابد

✓ ترتیبات تصمیم‌گیری و آزادی اقتصادی

۱. عقلانیت ابزاری (بافرض اطمینان و اطلاعات کامل براساس تکنیک‌های حداکثر سازی با توجه به نفع شخصی نیازی به مدیریت و برنامه ریزی نیست)
۲. عقلانیت محدود (باتوجه به اطلاعات ناقص و نظر به منافع اجتماعی)

✓ قواعد تخصیص منابع و مدیریت

۱. بازار (عرضه و تقاضا)
 ۲. برنامه متمرکز
- ✓ **مالکیت** (ضابطه اصلی در تمایز و تفکیک بخش‌های اقتصادی شمرده می‌شود)
- ا. مالکیت شخصی که طبق آن هرکس مالک چیزی است مثل لباس خودش.
 - ب. مالکیت خصوصی، مالکیت شخصی ابزار تولید را اصطلاحاً مالکیت خصوصی می‌گویند.
 - ج. مالکیت عمومی، چیزهایی که ملک عموم مردم بوده و هیچ‌کس حق واگذاری و نقل و انتقال آن چیزها را به اشخاص و گروهها و شرکتها ندارد ولی به عنوان بهره‌برداری در اختیار اشخاص قرار می‌گیرد مانند اراضی مفتوح العنوه - زمینهایی که به قدرت سپاهیان اسلام فتح شده -
 - د. مالکیت دولتی دولت به نمایندگی از عامه مردم حق نقل و انتقال و تصرفات مالکانه در آن را دارد مثل مراتع و جنگلها و منابع طبیعی

✓ اهداف^۲ و انگیزه‌ها:

۱. رفاه عمومی انسان با رویکرد کارایی محور
۲. رفاه عمومی انسان با رویکرد عدالت محور
۳. هماهنگ و منطبق با اهداف باقی نظامات هستی (در نگاه امام موسی صدر اقتصاد در اسلام بر ایدئولوژی، اخلاق و ارزش‌های مشخصی بنا شده است و هدف از آن فقط بالا بردن سطح زندگی مادی نبوده و بلکه تکامل روحی و فضائل اخلاقی در نظر قانون‌گذار جایگاه بالایی دارد.)

نکته: مناسبات افراد با اموال و هم‌نوعان (مالکیت و میزان آزادی اقتصادی) شاخص تعیین کننده در نوع نظام اقتصادی است.

در سرمایه‌داری خالص: مالکیت عوامل تولید بالاخص سرمایه با بخش خصوصی و تخصیص منابع با بازار است.

در سوسیالیستی خالص: مالکیت عوامل و تخصیص آن با دولت است.

^۲ هدف میانی: رشد پایدار، بیکاری طبیعی و تورم طبیعی و تراز پرداخت‌های معقول

در مختلط: مالک سرمایه، دولت و تخصیص منابع در بازار (چین و روسیه) یا مالک سرمایه، بخش خصوصی و تخصیص با کمک دولت و برنامه محور (ژاپن و آلمان)

روش‌های بررسی نظام اقتصادی

روش بررسی تاریخی

در این روش، عوامل پیدایش، تغییر و تحول یک نظام اقتصادی به لحاظ تاریخی و نیز عواملی که موجب انهدام نظام اقتصادی است، مورد بررسی و توجه قرار می‌گیرند.

روش بررسی تحلیلی

در این روش، مبانی فکری و اصول تئوریک نظام و همچنین نظریه‌های پذیرفته‌شده اقتصادی که در شکل‌گیری آن نظام، مؤثر بوده، به لحاظ منطقی، مورد بررسی قرار می‌گیرد و از این طریق، میزان انسجام، صحت و سقم اصول و نظریات نظام اقتصادی را به دست می‌آوریم.

روش بررسی عملکردی

در این روش، عملکرد یک نظام اقتصادی، از یک طرف در ارتباط با هدف‌های همان نظام و از طرف دیگر با عملکرد سایر نظام اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد. آنچه در این بررسی مهم است، در نظر گرفتن شرایط و بنیان اقتصادی مثل شرایط جغرافیایی، جمعیتی، اخلاقی و غیره است؛ که در عملکرد یک نظام اقتصادی، تاثیر چشم‌گیری دارد.

جلسه سوم: نظام سرمایه‌داری

❖ نظام اقتصادی مجموعه‌ای از نهادهای اقتصادی که چارچوبهای ملکیت عوامل تولید و تخصیص منابع را توضیح می‌دهد همچنین رسیدن به هدف معینی را سامان دهی می‌کند.

❖ نوع نگاه به جهان در شکل‌گیری مکاتب اقتصادی تاثیرگذار است به گونه‌ای که با توجه به دیدگاهی زیستی داروین نگاه تکاملی به نهادها مطرح می‌شود و با نگاه فیزیک نیوتنی در اقتصاد کلاسیک، تغییرات مکانیکی و تکراری است که از قوانین ثابتی پیروی می‌کند

❖ مناسبات افراد با اموال و هم‌نوعان (مالکیت و میزان آزادی اقتصادی) شاخص تعیین‌کننده در نوع نظام اقتصادی است.

أ. در سرمایه‌داری خالص: مالکیت عوامل تولید بالاخص سرمایه با بخش

خصوصی و تخصیص منابع با بازار است.

ب. در سوسیالیستی خالص: مالکیت عوامل و تخصیص آن با دولت است.

مقدمه

۱. بی‌تردید علوم انسانی و از جمله دانش اقتصاد، بر پایهٔ مجموعه‌ای از مبانی جهان‌بینی و انسان‌شناختی بنا شده است و مبانی مکتبی، برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی نیز متأثر از مبانی یاد شده است.
۲. مکتب سرمایه‌داری، براساس جهان‌بینی فلسفی دئیسم^۳ (خدانشناسی طبیعی-خدا آفریدگار است و نه پروردگار و جهان را بصورت نظام احسن آفریده و قوانین طبیعی متقنی در آن تعبیه کرده و تدبیری در جهان ندارد-)، ناتورالیسم^۴ (اصالت طبیعت- همه چیز به وسیله طبیعت و طبیعت تنها به وسیله خودش توضیح پذیر است و رفتارها را باید براساس فرمولها و قوانین تعریف شده در نظام آفرینش تبیین کرد-) و لیبرالیسم اقتصادی (اصالت فرد و آزادی‌های فردی) شکل گرفته است و منبع شناخت تجربه و عقل بشری است.
۳. لذا هرگونه نقش و دخالت پروردگار در امور تکوینی و تشریعی نفی شده و چنین فرض شده که خداوند طبیعت را چنان قانون‌مند آفریده که به‌صورت خودکار به حیات خود ادامه می‌دهد.
۴. انسان موجودی تک بعدی (مادی) است و رفتار وی براساس تمایلات طبیعی تفسیر می‌شود
۵. بنتام (۱۷۴۸ - ۱۸۳۲) با وارد کردن یا احیای اندیشه "مطلوبیت‌گرایی" در تجزیه و تحلیل علم اقتصاد این مفهوم را که انسان نیز همانند بسیاری از جانداران، به فکر سود و زیان است؛ به‌طوری که هرکس در پی افزونی لذت خویش است را مطرح نمود
۶. وی اجتماع را "پیکره فرضی" می‌داند؛ بنابراین "منافع اجتماع" چیزی بیش از مجموعه افراد تشکیل‌دهنده آن نیست. در نتیجه، فرد و منافع او بر منافع جامعه تقدّم دارد. دلیل آن هم این است که محور اصلی اجتماع، فرد است. اجتماع، چیزی جز مجموع اجزای تشکیل‌دهنده آن، یعنی تک تک افراد نیست
۷. در اندیشه اسمیت، نفع شخصی یک هنجار طبیعی است لذا نانوا و تاجر نه برای تامین نیاز دیگران و خیرخواهی بلکه براساس خودخواهی، مال اندوزی و کسب منافع مادی بالاتر (لذت بیشتر) این کارها را انجام می‌دهند از این‌رو ارزش معنوی و اخلاقی فوق ارزشهای طبیعی وجود ندارد.
۸. از نگاه طرفداران این اندیشه، مکانیسم بازار، بدون نیاز به هیچ نیروی خارجی ماورائی (قانون‌گذاری و تشریع الهی) یا زمینی (دولت) به تعادل خودکار می‌انجامد که بهترین وضع ممکن است و هر نوع مداخله‌ای، صرفاً به دور شدن از وضع بهینه منجر خواهد شد. بنابراین با وجود «دست نامرئی»^۵ که در طبیعت اجتماع به ودیعت نهاده شده است، نیازی به قوانین تشریعی یا مداخلهٔ دولت نیست. (خود اصلاحگر و در بلندمدت به ثبات می‌رسد). -نقض بوسیله بحران کبیر ۱۹۲۹-

^۳ دئیسم به یک خالق الهی برای جهان اعتراف می‌کند، اما هر نوع وحی الهی را رد می‌کند و اعتقاد دارد عقل بشر به تنهایی کافی است تا برای ما یک زندگی دینی و با اصول اخلاقی صحیح فراهم کند

^۴ Naturalism

^۵ آزادی بخش خصوصی و مکانیسم بازار

۹. مکتب کلاسیک سهم مهمی در شکل گیری سرمایه داری مدرن داشته و نفوکلاسیک در تداوم آن نقش مهمی داشته و نهادگرایان جدید با توجه ویژه به حقوق مالکیت و باز بودن اقتصاد در تقویت اندیشه سرمایه داری کارکرد ویژه ای داشته است.

ریشه های تاریخی سرمایه داری

۱. سرمایه داری کشاورزی در قرن ۱۵ (فئودالها و استخدام کارگر برای کار در زمین کشاورزی)
۲. سرمایه داری تجاری از قرن ۱۶ تا اواسط قرن ۱۸ (سوداگرایان و مرکانتالیستها-انباشت پول-)
۳. سرمایه داری صنعتی از قرن ۱۸ با انقلاب صنعتی و ظهور مکتب کلاسیک
۴. سرمایه داری مدرن با نگاه به جهانی شدن از قرن ۱۹

جلسه چهارم: نظام سرمایه داری

❖ نظام اقتصادی مجموعه ای از نهادهای اقتصادی که چارچوبهای ملکیت عوامل تولید و تخصیص منابع را توضیح می دهد همچنین رسیدن به هدف معینی را سامان دهی می کند.

❖ مکتب سرمایه داری، براساس جهان بینی فلسفی دئیسم (خدانشناسی طبیعی-خدا آفریدگار است و نه پروردگار و جهان را بصورت نظام احسن آفریده و قوانین طبیعی متقنی در آن تعبیه کرده و تدبیری در جهان ندارد-)، ناتورالیسم (اصالت طبیعت- همه چیز به وسیله طبیعت و طبیعت تنها به وسیله خودش توضیح پذیر است و رفتارها را باید براساس فرمولها و قوانین تعریف شده در نظام آفرینش تبیین کرد-) و لیبرالیسم اقتصادی (اصالت فرد و آزادی های فردی) شکل گرفته است و منبع شناخت تجربه و عقل بشری است.

❖ مناسبات افراد با اموال و هم نوعان (مالکیت و میزان آزادی اقتصادی) شاخص تعیین کننده در نوع نظام اقتصادی است.

۱. اکثر اقتصاددانان و صاحب نظران معتقدند که اصطلاح کاپیتالیسم توسط سوسیالیست ها ساخته شده است.
۲. لویی بلان (سیاستمدار و سوسیالیست اصلاح طلب فرانسوی) در سال ۱۸۵۰ برای نخستین بار در مکتوبات علمی این اصطلاح را به کار برده است. وی می نگارد سرمایه داری نوعی نظام اجتماعی است که در آن روابط اجتماعی در حوزه تولید

چنان شکل می‌گیرد که موجب حذف یا محرومیت سایرین از تملک سرمایه می‌شود. (سازمان بندی تولید و توزیع درآمد حاصل از تولید)

۳. کینز سرمایه‌داری را اقتصاد خلق پول می‌نامد که بر نقش چرخه اعتبار - پول تمرکز دارد.

۴. اینگام معتقد است اساس سرمایه‌داری مطیع ساختن تمامی فعالیت‌های اقتصادی در برابر قدرت سرمایه خالص (پول) است

۵. شومپیتر، بازارهای پول را به مثابه مرکز فرماندهی سرمایه‌داری می‌داند.

چارچوب نظری نظام اقتصادی سرمایه‌داری

۱. آزادی اقتصادی (اسمیت معتقد بود که باید همه قوانینی که عملکرد بازار را محدود می‌کند لغو شود) به عبارت دیگر قوانین طبیعت باید بر فعالیت‌های اقتصادی حاکم باشد و وظیفه دولت محدود به حفاظت از جان مردم، آزادی و مالکیت است.

۲. طبیعی بودن اختلاف افراد در ثروت و مالکیت.

۳. پذیرش کسب سود بدون ایجاد ارزش افزوده و کار

۴. توجیه ربا و عقلایی دانستن آن (پس انداز، تابعی از نرخ بهره است. هر قدر نرخ بهره بالاتر باشد، پس انداز کنندگان تمایل بیشتری به جایگزینی مصرف کنونی با مصرف آینده دارند. از اینرو اقتصاددانان کلاسیک نرخ بهره را پاداش امساک یا خست می‌دانند و جریان پس انداز نشان دهنده عرضه و جوه وام دادنی در بازار سرمایه است. پس انداز خانوار رابطه مثبت و مصرف خانوار رابطه منفی با نرخ بهره دارد)

۵. امنیت حقوقی تراکم سرمایه بخش خصوصی

۶. وجود چارچوب لازم حقوقی برای رشد تجارت

۷. ایجاد شبکه گسترده تبلیغات برای خلق نیاز در مصرف کنندگان تا بتوان انبوه کالاها و خدمات تولید شده به فروش برسد.

۸. توسعه نظام بانکی برای تامین مالی سرمایه‌گذاری های بزرگ توسط سرمایه‌داران و اعطای وام به مصرف کنندگان برای خرید

۹. وجود نهادهای بین المللی برای تامین سرمایه‌گذاری های خارجی

۱۰. هدف کارگزاران اقتصادی پیشینه کردن مطلوبیت و نفع شخصی است.

۱۱. مالکیت خصوصی و بویژه مالکیت بر ابزار تولید را مهمترین ویژگی نظام سرمایه‌داری دانسته می‌شود -

تجارت، صنعت و ابزارهای تولید عمدتاً در دست افراد و بنگاه های خصوصی می‌باشد (در آمریکا بیش از

۸۰٪ اقتصاد در اختیار بخش خصوصی است و سهم دولت از ثروت ملی در سال ۲۰۲۰ حدود ۱۲٪ و از

اشتغال کمتر از ۱۴٪ است)-

۱۲. محورهای اصلی: مالکیت خصوصی، انباشت سرمایه، بازار رقابتی، پرداخت دستمزد به نیروی کار، پرداخت سود به صاحبان سرمایه
۱۳. مالکیت خصوصی باعث تحرک و فعالیت بیشتر فرد در اقتصاد می‌شود زیرا حاصل دسترنجش به خود او باز می‌گردد.
۱۴. عرضه تقاضا را ایجاد می‌کند (تولید سبب افزایش درآمد و افزایش درآمد موجب افزایش تقاضا می‌گردد)
۱۵. قیمت^۶ در بازار اضافه بر نقش انگیزشی، دانش و اطلاعات مهمی به تصمیم سازان می‌دهد
۱۶. ارزش مبادله ای براساس کمیابی و هزینه تولید تعیین می‌گردد.^۷

جلسه پنجم: نظام سرمایه‌داری

- ❖ نظام اقتصادی مجموعه‌ای از نهادهای اقتصادی که چارچوبهای ملکیت عوامل تولید و تخصیص منابع را توضیح می‌دهد همچنین رسیدن به هدف معینی را سامان دهی می‌کند.
- ❖ مکتب سرمایه‌داری، براساس جهان بینی فلسفی دئیسم (خدانشناسی طبیعی-خدا آفریدگار است و نه پروردگار و جهان را بصورت نظام احسن آفریده و قوانین طبیعی متقنی در آن تعبیه کرده و تدبیری در جهان ندارد-)، ناتورالیسم (اصالت طبیعت - همه چیز به وسیله طبیعت و طبیعت تنها به وسیله خودش توضیح پذیر است و رفتارها را باید براساس فرمولها و قوانین تعریف شده در نظام آفرینش تبیین کرد-) و لیبرالیسم اقتصادی (اصالت فرد و آزادی های فردی) شکل گرفته است و منبع شناخت تجربه و عقل بشری است.
- ❖ مناسبات افراد با اموال و هم‌نوعان (مالکیت و میزان آزادی اقتصادی) شاخص تعیین کننده در نوع نظام اقتصادی است.
- ❖ اکثر اقتصاددانان و صاحب‌نظران معتقدند که اصطلاح کاپیتالیزم توسط سوسیالیست‌ها ساخته شده است.

^۶ قیمت کالا خدمات پول (بهره) نیروی کار (دستمزد) سرمایه و ارز
^۷ در نظر ریکاردو

❖ محوره‌ای اصلی در نظام سرمایه‌داری: مالکیت خصوصی، انباشت سرمایه، بازار رقابتی، پرداخت دستمزد به نیروی کار، پرداخت سود به صاحبان سرمایه

شکست بازار و اصلاح نظریه‌ی لسنری

۱. مسئله انحصار: موجب کاهش رفاه می‌شود
۲. آثار جانبی: رفتار یک تولید کننده یا مصرف کننده روی منافع شخص یا گروهی دیگر مستقیماً اثر می‌گذارد و در چارچوب مکانیسم بازار قابل حل و فصل نیست. (تحمیل هزینه یا نفع برای شخص ثالث)
۳. کالای عمومی: انگیزه‌ی برای تولید آن وجود ندارد چراکه استفاده یک نفر مانع از استفاده دیگران نمی‌شود (رقابت ناپذیر و استثنا ناپذیر) مانند امنیت، خدمات قضایی و حمل و نقل عمومی و ساخت زیرساختها
۴. توزیع ناعادلانه درآمد: در رویکرد سرمایه داری دستمزد برابر با ارزش بهره‌وری نهایی تولیدی است که برای جامعه ایجاد می‌شود (مزد پرداختی به کارگر با ارزش آخرین واحد محصول ناشی از کار او برابر باشد) که در ادبیات اقتصادی نظام سرمایه داری این روند نوعی عدالت طبیعی است و اصولاً توزیع عادلانه خارج از مکانیسم بازار بی‌معنا است و از سویی دیگر بخش خصوصی تمایل ندارد که از منافع شخصی خود برای حل بی‌عدالتی درآمدی کمک نماید.
۵. بی‌ثباتی در سطح کلان: تجربه نشان داده که عناصر درون سیستم توان حل عدم تعادلها را ندارند. (بازار بصورت دورن‌زا موانع احتمالی را در خود حل نمی‌کند لذا برای بازگشت به ثبات و پایداری حضور دولت لازم است.

تغییرات در زیر سیستم‌های سرمایه داری

۱. سهم نسبی دولت و بخش خصوصی از اقتصاد: لازم به ذکر است اگر در یک نظام اقتصادی سهم درخور توجهی از اموال و سرمایه‌ها در اختیار دولت و بخش عمومی باشد، نمی‌توان به آن سرمایه‌داری گفت و آنچه در زیرسیستم‌های سرمایه‌داری در آسیا و اروپا و آمریکا مشاهده می‌شود افزایش حق حاکمیتی دولت برای حل مسئله شکست بازار می‌باشد لذا مالکیت دولتی بسیار کمتر از سهم بخش خصوصی در اقتصاد می‌باشد.

سهم دولت و بخش عمومی از مالکیت کل سرمایه ثابت^۸

	۱۹۷۰	۲۰۱۹
آلمان	۸٪	۱۰٪
یونان	۲٪	۵٪

^۸ هر نوع دارایی فیزیکی واقعی اطلاق می‌شود که در تولید یک محصول مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ ولی در فرایند تولید استفاده نشده‌است

انگلیس	%۵	%۱۰
--------	----	-----

۲. مقررات گذاری یا مقررات زدائی:

آمریکا از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ شاهد آزادسازی و مقررات زدایی بسیار وسیع در بخش مالی بود که نتیجه آن بحران مالی ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲ بود لذا شاهد افزایش کنترل و مقررات گذاری هستیم.

۳. تغییر در بازار کار:

برخلاف رویکرد سنتی نگاه به اقتصاد مشارکتی و مشارکت صاحبان سرمایه و کارگران از منافع حاصل از فعالیت اقتصادی مانند بازار کار ژاپن

در رویکرد آنگلو ساکسنی و لیسفری از اقتصاد سرمایه داری بر نوعی توزیع فنی متناسب با ارزش بهره‌وری نهایی در عمل با دشواری‌های روبرو است و در عمل واقعیت نمی‌یابد لذا بحث دستمزد منصفانه اکرف و یلن در کنار اقتصاد مشارکتی وایتزمن مورد توجه قرار می‌گیرد.

۴. توزیع درآمد و روند مالیات:

در رویکرد نظری سرمایه‌داری، درآمد و حقوق و دستمزد افراد با میزان نیروی کار عرضه شده، میزان تخصص و مهارت (سرمایه انسانی) و سرمایه فیزیکی ارائه شده پیوند دارد لیکن در سرمایه‌داری رفاهی دخالت دولت در بازتوزیع درآمد و ثروت با افزایش نرخ مالیات و نظام تامین اجتماعی کارآمد مطرح می‌شود.

مالیات بر تولید ناخالص داخلی

	۱۹۲۰	۲۰۱۹
سوئد	۲۸	۵۸
ژاپن	۲۰	۳۱
آلمان	۳۰	۴۶
آمریکا	۲۷	۳۲

نگاهی به برخی از مکاتب سرمایه‌داری

مکتب مرکانتیلیسم (سرمایه‌داری مبتنی بر تجارت)

این تفکر بین سال‌های ۱۵۰۰ تا ۱۷۷۶ م در کشورهای مختلف اروپایی جریان داشته است.

تمام کشورها نسخه ثابت درد خود را در دریافت سه قلم دارو می دانستند:

أ. کسب طلا و نقره از هر مسیر ممکن

ب. افزایش ثروت و قدرت دولت مرکزی
ت. مداخله مستقیم دولت در امور اقتصادی و کنترل آن
مکتب فیزیوکراتها (سرمایه‌داری مبتنی بر کشاورزی)

از سال ۱۷۷۶ در فرانسه مطرح شد و دکتر فرانسوا کنه بنیان‌گذار این مکتب شناخته می‌شود. برخی از اصول آن:

- ا. تمامی فعالیت‌های بشر باید هماهنگ با قوانین و نظم طبیعی باشد.
ب. تأکید بر آزادی نوع بشر در فعالیتهای اجتماعی و نگاه خاص به بخش کشاورزی
ت. اداره اقتصاد بدون دخالت دولت

مکتب کلاسیک: عنوان اقتصاد کلاسیک برای اندیشه اقتصادی از سال ۱۷۵۰ تا ۱۸۷۰ به کار رفته است. انتشار کتاب «تحقیق درباره ماهیت و علل ثروت ملل» آدام اسمیت نقطه آغاز علم اقتصاد می‌باشد. وی معتقد بود، تولید ثروت عمدتاً با تقسیم کار و گسترش تخصص افزایش می‌یابد.

شالوده اصلی تفکر مکتب کلاسیک را «آزادی اقتصادی» تشکیل می‌دهد. کلاسیک‌ها معتقد بودند چون اقتصاد ذاتاً باثبات است، حتی اگر از تعادل خارج و دچار رکود یا رونق شود به صورت خودکار تصحیح می‌شود و به تعادل برمی‌گردد لذا هر نوع اعمال سیاستی توسط دولت حتی در کوتاه مدت بی‌تاثیر است

از نظر کلاسیک‌ها انباشت سرمایه عامل کلیدی رشد اقتصادی است. برای انباشت سرمایه نیاز به پس انداز بیشتر وجود دارد. تنها زمین‌داران و سرمایه‌داران اند که توان پس‌انداز کردن دارند و صنعت در کنار تجارت و کشاورزی مولد ثروت می‌باشد.

مکتب نئوکلاسیک: مکتب نئوکلاسیک باهدف بازسازی افکار و اصول مکتب کلاسیک در اواخر قرن ۱۹ شکل گرفت. درعین حال ارائه نظریات جدیدی که تفاوت‌های کلیدی با نظریات مکتب کلاسیک داشت سبب شد تا این مکتب، پسوند "نئو" را به نام خود اضافه کند. به‌عنوان مثال برخلاف مکتب کلاسیک که واحدهای اقتصادی را به شکل طبقات اجتماعی^۹ می‌دید نئوکلاسیک واحدهای اقتصادی را به شکل عاملین فردی عقلانی و خودخواه مانند بنگاه یا مصرف‌کننده معرفی کرد. این مفروضات سبب شد تا افراد در اقتصاد نئوکلاسیک بیشتر به صورت موجودات تک‌بعدی در نظر گرفته‌شده و یک ماشین لذت‌نابیده شوند که معمولاً تحت شرایط مادی به دقت تعیین‌شده، خود را وقف حداکثرسازی لذت و حداقل‌سازی درد و رنج می‌کنند.

برخلاف اقتصاددانان کلاسیک که معتقد بودند ارزش یک محصول با شرایط عرضه یعنی هزینه‌های تولید آن تعیین می‌شود اقتصاددانان نئوکلاسیک تأکید داشتند ارزش یک محصول به این بستگی دارد که این محصول برای مصرف‌کنندگان احتمالی آن به چه اندازه ارزشمند است به عبارت دیگر آنها بر این باور بودند که اگر تولید محصولی دشوارتر باشد، لزوماً آن را محصول ارزشمندتر نیست.

مکتب نهادگرایی قدیم: اقتصاددانان طرفدار این مکتب با نقد تأکید مکاتب رایج (کلاسیک و نئوکلاسیک) بر مفهوم فردگرایی سعی کردند اهمیت ماهیت اجتماعی افراد را گوشزد کنند. این اقتصاددانان "افراد را محصول اجتماع خود" می‌دانستند و بر این باور بودند

^۹ به عنوان مثال ریکاردو جامعه را دارای سه طبقه اجتماعی سرمایه‌دار، کارگر و زمین‌دار می‌دید و در تحلیل‌های خود، اثر هر یک از این طبقات بر رفتار افراد در آن طبقه را در نظر می‌گرفت و چنین استدلال می‌کرد که طبقه سرمایه‌دار تنها طبقه‌ای است که سرمایه‌گذاری کرده و رشد اقتصادی ایجاد می‌کند.

که لازم است تا نهادها یا قوانین اجتماعی که شخصیت افراد را تحت تأثیر قرار داده یا حتی شکل می‌دهند، بیشتر مورد تحلیل قرار بگیرند.

نهادگرایان بر این باوراند که اقتصاد را باید به عنوان یک سازمان یا مجموعه کامل و واحد تشکیلات مورد بررسی قرار داد که تمامی اجزای آن با یکدیگر ارتباط دارند. برخلاف اقتصاد مرسوم که رابطه انسان با طبیعت را مورد بررسی قرار می‌دهد، رابطه بین انسان با انسان نقطه اصلی تمرکز و توجه اقتصاد نهادگرا است.

مکتب کینزی: بحران اقتصادی بزرگ بین سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۳ ناکارآمدی دیدگاه‌های گذشته را نشان داد. با انتشار کتاب "نظریه عمومی اشتغال پول و بهره" توسط کینز در سال ۱۹۳۶ و رد اقتصاد به اصطلاح خودکار نئوکلاسیک، وی به‌عنوان یک اقتصاددان انقلابی و نوآور در علم اقتصاد معروف گشت.

شالوده اصلی تفکر کینزی را نیاز به مداخله دولت در اقتصاد تشکیل می‌دهد. کینزین‌ها مسئله اصلی اقتصاد را کمبود تقاضای کل و بیکاری می‌بینند. در الگوی آن‌ها تحریک تقاضا تعیین‌کننده است و معتقدند که دولت با مدیریت تقاضا می‌تواند تولید ناخالص داخلی را افزایش دهد و اقتصاد را از رکود خارج کند. به‌نظر کینز، برخلاف نظریه ارتدکس‌ها، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری به‌طور خودکار برابر نمی‌شوند و باید بانک مرکزی و دولت، زمینه هماهنگی آن‌را فراهم نمایند.

مکتب کینزی جدید: اقتصاد کینزی جدید در واکنش به مشکل ضعف پایه‌های خرد تحلیل‌های اقتصاد کینز و با پذیرش فرضیه انتظارات عقلایی، موضوعیت یافت. در نظریه انتظارات عقلایی، عوامل اقتصادی به جای اینکه تنها به گذشته نگاه کنند و بر اساس مقدار تحقق یافته متغیرها در گذشته و وزن دادن به آنها، متغیرهای قیمتی موردنظر خود را پیش‌بینی کنند، بیشتر، وضعیت آینده را در نظر می‌گیرند.

بنابراین کینزین‌های جدید در بسیاری از مسائل دارای طرز فکر مشابه با کینزین‌ها هستند. آن‌ها بر اهمیت نواقص اقتصاد (همانند عدم تقارن اطلاعات، چسبندگی قیمت‌ها و رقابت ناقص در بازار) در دنیای واقعی تأکید زیادی داشتند و تلاش کردند که با بهره‌گیری از مبانی خرد این نواقص را توضیح دهند.

مکتب کلاسیک جدید: تفکر اصلی این مکتب را نیز همانند کلاسیک‌ها آزادی اقتصادی مبنی بر عدم دخالت دولت در اقتصاد و تسویه خودبه‌خود بازارها تشکیل می‌دهد. کلاسیک‌های جدید فرضیه انتظارات عقلایی را برای اولین بار مدل‌سازی کردند و در تحلیل‌های کلان خود مورد استفاده قرار دادند. ویژگی مهم و بارز دیگر مکتب کلاسیک جدید آن است که عرضه را وابسته به قیمت‌های نسبی و نه تقاضا می‌داند.

جلسه ششم: نظام سوسیالیسم

❖ نظام اقتصادی مجموعه‌ای از نهادهای اقتصادی که چارچوبهای ملکیت عوامل تولید و تخصیص منابع را توضیح می‌دهد همچنین رسیدن به هدف معینی را سامان دهی می‌کند.

۱. نشانه‌های نظام سوسیالیستی را می‌توان در آثار افلاطون (۴۲۷ - ۳۴۷ ق. م) ملاحظه کرد آنجا که می‌گوید: «ثروت افراد متعلق به عموم است و باید به مصرف عمومی برسد و مشاغل افراد را دولت باید تعیین کند.»
۲. پایه گذار این دیدگاه را می‌توان کارل مارکس (۱۸۱۸-۱۸۸۳) و انگلس (۱۸۲۰-۱۸۹۵) دانست.
۳. سوسیالیست به معنای وسیع کلمه، طیف متنوعی از اندیشه‌ها و متفکران را دربر می‌گیرد که تنها ویژگی مشترک آنها اعتقاد به "لزوم برابری بیشتر برای انسان‌ها و افزایش نقش کارگران در اداره جوامع" است.
۴. سوسیالیسم در واقع ایدئولوژی است که در مخالفت با کاپیتالیسم و استثمار نیروی کار که قائل به لغو مالکیت خصوصی و خواهان برقراری مالکیت اجتماعی می‌باشد.
۵. در ابتدای قرن ۱۹ ره آورد مکتب کلاسیک از نظر اقتصادی و اجتماعی پاسخگوی دشواری‌های فقر و بیکاری نبود در بین سالهای ۱۸۰۸ تا ۱۸۴۰ در فرانسه و انگلیس شورش‌های کارگری زیادی به وقوع پیوست و زمینه تدوین نظریه‌های سوسیالیستی به عنوان نسخه‌ی درمان بیماری‌های اجتماعی و اقتصادی را فراهم آورد.
۶. سوسیالیسم به معنای ساده خود، نظامی است که در آن دولت از راه برنامه ریزی یا به شکل مستقیم ابزارهای اساسی تولید را کنترل می‌کند و مالک قانونی آن است. هدف از اعمال چنین کنترلی بر دارایی‌های صنعتی و کشاورزی، تولید کالاها و خدمات مورد نیاز جامعه است، نه تولید آنچه سودآور باشد.
۷. سوسیالیست‌ها معتقدند مالکیت فردی بر ابزار تولید، موجب کسب درآمد می‌شود؛ بدون این‌که رابطه‌ای میان درآمد و کار وجود داشته باشد. بنابراین سوسیالیسم، برای قطع ریشه نابرابری‌های اقتصادی که از درآمد بدون کار به وجود می‌آید، مالکیت دولت را بر ابزار تولید پیشنهاد می‌کند.
۸. در سوسیالیسم با از بین رفتن مالکیت خصوصی استثمار کارگران پایان می‌پذیرد و توزیع تولید بر مبنای کمیت و کیفیت کار انجام می‌گیرد. به بیان دیگر شعار: "هرکس به اندازه توانش کار می‌کند و به اندازه کارش دریافت می‌کند" بر جامعه حاکم می‌شود.
۹. هدفی که مشخصاً در دل این اندیشه مشاهده می‌شود، واژگونی نظام سرمایه‌داری از طریق انقلاب کارگران، لغو مالکیت خصوصی بر ابزار تولید، ایجاد جامعه‌ای بی‌طبقه با مردمی آزاد و برابر و در نتیجه پایان از خودبیگانگی انسان است.
۱۰. تمرکز جدال سرمایه‌داری با سوسیالیسم بر نوع رابطه‌ای میان کارفرمایان و کارگران در محیط کار است^{۱۰}
۱۱. سوسیالیسم، نظام اقتصادی مبتنی بر مالکیت و تخصیص اجتماعی ابزار تولید است و مالکیت اجتماعی بصورت مالکیت حزبی، اشتراکی و دولتی مطرح می‌گردد.
۱۲. مارکسیسم به شکل رایج و متعارف آن به مراحل پنج گانه‌ای قائل می‌شود که شامل کمون اولیه، برده‌داری، فئودالیت، سرمایه‌داری و سرانجام سوسیالیسم منجر به کمونیسم است

^{۱۰} شرکت‌های خصوصی یا مقامات دولتی

۱۳. به اعتقاد مارکس، نظام سوسیالیستی مرحله‌ای موقت و گذرا برای استقرار نظام اقتصاد کمونیستی (جامعه برابر و بدون طبقه) است از نظر وی مدینه فاضله همان کمونیسم است که پس از سوسیالیسم فرا می‌رسد. در این نظام جامعه در حد نهایی خود صنعتی است و در آن فقط یک طبقه اجتماعی یعنی کارگران فعالیت دارند. از این رو امکان بوجود آمدن تضاد طبقاتی وجود ندارد.

۱۴. در نظام کمونیسم چون تولید در حد فراوانی است، شعار: "هرکس به اندازه توانش کار می‌کند و به اندازه نیازش دریافت می‌کند" بر جامعه حاکم است.

۱۵. یک دولت کمونیستی تمام منابع اقتصادی را در کنترل خود دارد و افراد هیچ دارایی شخصی ندارند. اما در دولت‌های سوسیالیستی افراد مالک دارایی شخصی خود هستند؛ اما ظرفیت‌های تولیدی به صورت اشتراکی و توسط دولت اداره و براساس توانایی و مشارکت اقتصادی افراد توزیع می‌شود.

۱۶. کمونیسم شکل تکامل یافته‌ی سوسیالیسم است که در آن حاکمیت یک طبقه خاص تبدیل به حاکمیت تمامی جامعه می‌شود.

۱۷. مشکل اساسی سوسیالیستها با مکانیسم بازار (تصمیم سازی براساس شاخص قیمت) است لذا در شوروی در دهه ۱۹۲۰ کمیته‌ای از ریاضی‌دانان براساس جدول داده-ستانده^{۱۱}، برنامه سازمان دهی واحدهای خرد و پیوند آن با عناصر کلان را برای نظام سوسیالیسم طراحی کردند.

۱۸. تئوری ارزش کار مارکس می‌گوید ارزش هر کالا را می‌توان به طور عینی با در نظر گرفتن متوسط ساعات کار لازم برای تولید آن کالا اندازه گیری کرد.

۱۹. امر کیفی نمی‌تواند امر کمی را اندازه‌گیری کند لذا با ارزش مصرفی نمی‌توان ارزش مبادله‌ای را تعیین کند و ارزش مبادله‌ای براساس متوسط کاری که روی آن صورت می‌گیرد بدست می‌آید^{۱۲}.

جلسه هفتم: نظام سوسیالیسم

❖ سوسیالیسم در واقع ایدئولوژی است که در مخالفت با کاپیتالیسم و استثمار نیروی کار که قائل به لغو مالکیت خصوصی و خواهان برقراری مالکیت اجتماعی می‌باشد.

❖ سوسیالیسم به معنای ساده خود، نظامی است که در آن دولت از راه برنامه ریزی یا به شکل مستقیم ابزارهای اساسی تولید را کنترل می‌کند و مالک قانونی آن است.

^{۱۱} روشی تحلیلی برای توضیح و پیش‌بینی رفتار سیستم اقتصادی است و برای ایجاد توازن فنی بین عرضه و تقاضا بر الگوی داده-ستانده تاکید می‌شود. مهم‌ترین استفاده‌هایی که از جدول داده‌ها و ستانده‌ها می‌شود عبارت است از بررسی تصویر جامع و کاملی از ساختار اقتصادی کل کشور، مشخص کردن روابط و میزان وابستگی کلیه بخش‌های تولیدی، انجام برنامه‌ریزی‌های صحیح در مقابل تغییر تقاضای نهایی و تأمین همه جانبه نیازمندیها به منظور محاسبات از فشارهای سوء بر روی بخش‌های مختلف تولیدی، پیش‌بینی تغییر قیمت‌ها و انجام برنامه‌ریزی‌های صحیح جهت پیشگیری از افزایش بی‌رویه قیمت‌ها، تشخیص نیازهای آماری و اقدام جهت گردآوری اطلاعات لازم، شناخت تفصیلی فعالیت‌های اقتصادی کشور و تفکیک آنها و بالاخره برآورد تولید ناخالص داخلی کشور با روش‌های مختلف و مقایسه به دست آمده.

^{۱۲} کار نیز امری کیفی است

❖ تمرکز جدال سرمایه‌داری با سوسیالیسم بر نوع رابطه‌ای میان کارفرمایان و کارگران در محیط کار است

❖ یک دولت کمونیستی تمام منابع اقتصادی را در کنترل خود دارد و افراد هیچ دارایی شخصی ندارند. اما در دولت‌های سوسیالیستی افراد مالک دارایی شخصی خود هستند؛ اما ظرفیت‌های تولیدی به صورت اشتراکی و توسط دولت اداره و براساس توانایی و مشارکت اقتصادی افراد توزیع می‌شود.

❖ مشکل اساسی سوسیالیستها با مکانیسم بازار (تصمیم‌سازی براساس شاخص قیمت) است لذا در شوروی در دهه ۱۹۲۰ کمیته‌ای از ریاضی‌دانان براساس جدول داده-ستانده^{۱۳}، برنامه سازمان دهی واحدهای خرد و پیوند آن با عناصر کلان را برای نظام سوسیالیسم طراحی کردند.

❖ برخی سوسیالیسم را به معنای برابری، دادگری، پایان استثمار فقرا از سوی اغنیا مطرح می‌کنند و بعضی مانند بسیاری از آمریکاییها، سوسیالیسم را به معنای مصادره اموال خصوصی و کنترل شدید زندگی خصوصی افراد از سوی دولت، و چیزهای بد دیگر قلمداد می‌کنند.

مبانی فلسفی

۱. جهان‌بینی ماتریالیسم (ماده ابدی و ازلی است و نیازی به آفریننده ندارد)
۲. دین افیون توده‌هاست^{۱۴}
۳. جامعه‌گرایی (جامعه‌باوری): مهم‌ترین اصل مشترک تمامی نظریه‌های سوسیالیستی، اهتمام آنها به ترجیح جامعه بر فرد، و فراتر نهادن سود همگانی بر سود فردی است.
۴. هدف نهایی، رسیدن به برابری است.
۵. مارکسیسم یک تحلیل اجتماعی براساس تضاد طبقاتی، تفسیر مادی از تاریخ و دیدگاه دیالکتیکی از انتقال تکاملی طبقات است.^{۱۵}

^{۱۳} روشی تحلیلی برای توضیح و پیش‌بینی رفتار سیستم اقتصادی است و برای ایجاد توازن فنی بین عرضه و تقاضا بر الگوی داده-ستانده تاکید می‌شود. مهمترین استفاده‌هایی که از جدول داده‌ها و ستانده‌ها می‌شود عبارت است از بررسی تصویر جامع و کاملی از ساختار اقتصادی کل کشور، مشخص کردن روابط و میزان وابستگی کلیه بخشهای تولیدی، انجام برنامه‌ریزیهای صحیح در مقابل تغییر تقاضاهای نهایی و تأمین همه جانبه نیازمندیها به منظور محاسبات از فشارهای سوء بر روی بخشهای مختلف تولیدی، پیش‌بینی تغییر قیمتها و انجام برنامه‌ریزیهای صحیح جهت پیشگیری از افزایش بی‌رویه قیمتها، تشخیص نیازهای آماری و اقدام جهت گردآوری اطلاعات لازم، شناخت تفصیلی فعالیتهای اقتصادی کشور و تفکیک آنها و بالاخره برآورد تولید ناخالص داخلی کشور با روشهای مختلف و مقایسه به دست آمده.

^{۱۴} دین با تعالیمی که دارد مردم را، ملت‌ها و جامعه را به حالت تخدیری می‌برد کأن کار می‌کند که آنها یادشان برود که می‌خواستند قیام کنند و بساط استثمار و استعمار و ظلم را برچینند، چگونه دین حالت تخدیری دارد؟ به این شکل که دین می‌آید و به مردمی که می‌خواهند قیام کنند، می‌گوید: شما ناراحت نباشید خدا و قیامتی وجود دارد که در آن‌جا خداوند به حساب ظالمان رسیدگی می‌کند و آنان را در آتش می‌سوزاند و باز اگر کسی چیزی بخواهد بگوید و اعتراضی بکند دین از حربه «قضا و قدر» استفاده می‌کند و می‌گوید این قضا و قدر الهی است که شما چنین عقب مانده و ستم دیده باشید بهشت کافر در این دنیا است و بهشت مؤمنین در آخرت است و خدا چنین خواسته است

^{۱۵} هگل سیر تطور تاریخ و به طور کلی سیر تطور موجودات را تابع مراحل سه‌گانه تز، آنتی‌تز و سنتز قرار می‌داد. -در جامعه سرمایه‌داری، طبقه کارگر که آنتی‌تز طبقه سرمایه‌دار است رشد می‌کند و تدریجاً بر آن غالب می‌شود و سنتز آن‌ها که جامعه سوسیالیستی و کمونیستی است تحقق می‌یابد.

۶. تفکر مارکسیستی ذوق و هنر و فرهنگ و دین و سیاست و علم و فلسفه را در جامعه «روینا» نام نهاده و عامل اقتصاد را «زیربنا» معرفی کرده است. بنابراین تمام اوضاع و احوال اجتماعی بستگی به شرایط زیربنا دارد و از این رهگذر دین نیز که یک روبنا است ساخته و پرداخته اقتصاد دانسته می‌شود.
۷. مارکس معتقد بود واقعیت مادی است که سرنوشت تاریخ را معین می‌کند نه معنا و ایده، هم‌چنین اعتقاد داشت که زیربنای اقتصادی تولید و تقسیم کار و مالکیت است که اساس ارزش‌های معنوی زندگی و اخلاقی و حقوقی هر جامعه را به وجود می‌آورد.
۸. استالین (۱۸۷۹ - ۱۹۵۳) در جزوه ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی می‌گوید : تفکر دیالکتیک معتقد است که هیچ‌گونه پدیده‌ای در طبیعت به تنهایی و بدون در نظر گرفتن روابط آن با سایر پدیده‌های اطرافش نمی‌تواند مفهوم واقع شود زیرا پدیده‌ها در هر رشته از طبیعت که تصور کنیم وقتی خارج از شرایط محیط در نظر گرفته شوند به امری بی‌معنی تبدیل خواهند شد « اصل تاثیر متقابل »
۹. دیالکتیک بر خلاف متافیزیک سیر تکاملی را یک جریان ساده نشو و نما که در آن تغییرات کمی منجر به تغییرات کیفی نشود، نمی‌داند بلکه تکامل را از تغییرات کم اهمیت و پنهانی کمی می‌داند که بتغییرات کیفی آشکار و اساسی منتهی می‌گردد. « اصل جهش » (تبدیل تغییرات کمی به تغییرات کیفی)
۱۰. حرکت تکاملی اشیاء در نتیجه تناقضات و تضادهائی که در داخل اشیاء وجود دارد صورت می‌گیرد - زندگی، همواره نتیجه برخورد نیروهای متضاد و گوناگونی است که به وجود آورنده اوضاع تازه‌ای هستند - « اصل تضاد »

اصول کلی سوسیالیسم

- از اصول کلی سوسیالیسم می‌توان به چند مورد اشاره کرد:
- ۱- مخالفت با فردیت انسان و پذیرش اصالت جمع (هدف از تولید نفع اجتماعی است نه سود شخصی)
 - ۲- برابری و جامعه‌ای بی طبقه - برده‌دار/برده، ارباب/رعیت و کارفرما/کارگر-
 - ۳- نفی مالکیت خصوصی چراکه این امر را وسیله استثمار می‌شمارند. (مارکس به تبعیت از رسو معتقد است تمامی چیزها به طور مجموع به جامعه تعلق دارد لذا در نظر وی بسیاری از بدبختی‌ها در جهان ریشه در مالکیت خصوصی دارد)
 - ۴- برنامه‌ریزی متمرکز اقتصادی تنها راه علاج هرج و مرج‌های اقتصادی است (برنامه‌ریزی اولین بار از شوروی وارد ادبیات اقتصادی شد- برنامه‌ریزی تلاشی آگاهانه برای هماهنگی بین تصمیم‌ها به منظور اثرگذاری بر متغیرهای اقتصادی در راستای تحقق اهداف است.)-
 - ۵- اقتصاد دولتی مبتنی بر نفع همگانی (زیرا از نظر لیبرالیسم و کاپیتالیسم دخالت دولت در اقتصاد موجب اخلاص و عدم شکوفایی سیستم اقتصادی است؛ اما سوسیالیستها معتقدند مالکیت فردی بر ابزار تولید، موجب کسب درآمد می‌شود؛ بدون این‌که رابطه‌ای میان درآمد و کار وجود داشته باشد. بنابراین سوسیالیسم، برای قطع ریشه نابرابری‌های اقتصادی که از درآمد بدون کار به وجود می‌آید، مالکیت دولت را بر ابزار تولید پیشنهاد می‌کند.)
 - ۶- توقف استثمار و بهره‌کشی از نیروی کار (ارزشی که کارگران برای کارفرمایان تولید می‌کنند، بیشتر از ارزش دستمزدی است که به آن‌ها پرداخت می‌شود)
 - ۷- تخصیص منابع توسط دولت (هدایت سرمایه‌گذاری و پس‌انداز در دست دولت است لذا بی‌ثباتی اقتصادی کاهش می‌یابد و ابزار تولید بجز نیروی کار در دست دولت است)

۸- کار جوهر و ذات ارزش است و منبع اصلی آن نیروی کار است

۹- نیروی کار، سرمایه متغیر (ارزش زا) و ابزار تولید، سرمایه ثابت است و ارزش اضافی توسط نیروی کار حاصل می‌شود.

۱۰- رد نظریه هماهنگی منافع

۱۱- تمامی اقشار و طبقات جامعه سهمی برابر و مساوی در سود همگانی دارند

نقدها به سوسیالیسم

۱. دین امری فطری است و ریشه در سرشت آدمی دارد و پیامبران از سوی خدا برای آبیاری این نهال آدمی آمده‌اند نه این‌که آنرا برای منافع خود ساخته باشند و لذا دین حالت شور و انقلاب و امید و قیام بر علیه ستم و ستمگران و خواهان عدالت و آزادی است نه افیون ملت‌ها.
۲. ماده و مادیات، ممکن‌الوجود هستند، بالضرورة نیازمند به واجب‌الوجود خواهند بود.
۳. حذف منبع اطلاعات یعنی بازار است اقتصاددان‌های معتقد به بازار آزاد، در نقدهایی جدی، ابراز داشتند که اقتصاد هر جامعه‌ای آن‌چنان پیچیده است که هیچ کنترل مرکزی‌ای قادر به مهار یا دربرگرفتن آن نخواهد بود و اقتصاد، فقط در سایه‌ی هماهنگی غیرمتمرکز ایجاد شده توسط خود بازار، می‌تواند به خوبی راه خود را پیدا کند.
۴. به‌علت نبود انگیزه، سطح تولید پایین بود؛ در نتیجه فقرزدایی در سطح وسیع صورت نگرفت؛ اگر چه توزیع درآمد نسبتاً عادلانه توسط سوسیالیست‌ها به ارمغان آورده شد.
۵. نادیده گرفتن آزادی انسان‌ها که یک میل فطری است، باعث شد تا مکتب سوسیالیسم به‌رغم توزیع عادلانه درآمد، به یک مکتب مورد تنفر برای اکثر افراد تبدیل شود
۶. جمع‌آوری اطلاعات دقیق، انگیزه نیروها و توزیع صحیح درآمد چالش اساسی سوسیالیسم برنامه محور در خصوص کارائی است

جلسه هشتم: نظام اقتصادی اسلام (مبانی بینشی)

✓ دو نگرش نسبت به نظام اقتصادی وجود دارد

الف. نظام اقتصادی بصورت طبیعی و خودکار موجود است و ما باید تنها آنرا ادراک کنیم (حاصل جمع فرمان غریزه و طبیعت است)

ب. نظام اقتصادی طرحی از پیش تعیین شده برای تغییر و تنظیم واقع حیات می‌باشد.

✓ نظام اقتصادی اسلام، مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری و روابط اقتصادی در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف است که از قرآن و سنت به کمک عقل استنباط می‌شود این الگوها چگونگی پیوند بین شرکت کنندگان به یکدیگر و به منابع اقتصادی را تبیین می‌نماید و براساس مبانی بینشی (جهان بینی و نظر به ارزش‌ها) و اصول راهبردی به منظور تحقق اهداف شکل می‌گیرد. - جزئی مستقل از سایر اجزاء نیست -

✓ اقتصاد اسلامی که به تنظیم رفتارهای اقتصادی انسان می‌پردازد، مانند اقتصادهای بشری، اقتصادی صرفاً مادی نیست؛ بلکه با توجه به اهداف و مقاصد مادی و معنوی، رفتارهای اقتصادی را تنظیم می‌کند

- ✓ در بینش اسلامی، انسان موجودی است آگاه، صاحب اراده و اختیار، هدفمند، کمالجو و مسؤولیت پذیر، که محور اصلی و شکل دهنده تلاشهای اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و... قرار دارد. در راستای چنین بینش و باوری، اعتقادهای یک مسلمان که برخاسته از جهان بینی^{۱۶} توحیدی است، نقش بسزایی در رفتارهای اقتصادی و فعالیتهای تولیدی می یابد؛ زیرا نه تنها در برابر خویش بلکه در برابر خداوند و مخلوقات او نیز خود را مسؤول و امانتدار الهی بر روی زمین می داند. از این رو، خود را موظف به تلاش و کوشش برای اصلاح و آبادانی جهان می شمارد.
- ✓ اگر هدف نهایی در فعالیت های اقتصادی فقط پاسخ دادن به امیال مادی باشد، الگوهای رفتاری آن بسیار متفاوت از الگوهای رفتاری خواهد بود که هدف غایی آن، کسب رضایت خداوند متعالی باشد.
- ✓ نظام اقتصادی اسلام، نظامی پویا در چارچوب قواعد است؛ یعنی در آن، خطوط کلی و اصول اساسی را تعیین شده، جزئیات دیگر را به جامعه وامی گذارد تا مطابق وضعیت، متغیر آنها را به مرور زمان تعیین کند.
- ✓ نظام اقتصادی اسلام سرشار از ارزش ها است؛ یعنی نظامی هدفدار شمرده می شود، و مجموعه معینی از ارزش ها را برگزیده است و در برابر اخلاق بی طرف نیست. اسلام توسعه ارزش های اخلاقی همچون برادری، صداقت، عدالت، احسان، محبت و مقدم داشتن دیگران و ارزش های دیگری که در آیات و روایات مورد تأکید قرار گرفته را هدف قرار داده است.

خداشناسی

- ✓ در جهان بینی اسلامی، خداوند در همه عرصه های جهان حضور فعال داشته، به طور پیوسته به امر آفرینش و هدایت تکوینی و تشریعی مشغول است و این امور در قالب روابطی تعریف می شود

رابطه خدا با جهان

- یک. رابطه خالقیت
- دو. رابطه ربوبیت (تربیت و تدبیر امور)
- سه. رابطه مالکیت حقیقی
- چهار. رابطه قیومیت (قوام و برپایی جهان به اوست)
- پنج. آفرینش موزون و قانون مند^{۱۷}
- شش. جهان، غایت دار و هدفمند

رابطه خدا با انسان

- یک. هدایت تشریعی انسان
- دو. رزاقیت
- سه. شاکر بودن
- چهار. نصرت

^{۱۶} گونه تفسیر و برداشتی که بشر، یا دین از مقوله های اساسی هستی: خدا، انسان، جامعه، دنیای مادی، جهان آخرت و عالم غیب دارد. جهان بینی نامیده می شود

^{۱۷} فیزیوکراتها معتقد بودند قدرت قوانین طبیعی در اقتصاد مانند قوانین طبیعی در فیزیک است (مطلق و تغییر ناپذیر)

پنج. حاضر و ناظر بر اعمال و جزاء دهنده

نکته: در نظام اقتصادی اسلام، اضافه بر عوامل مادی، عوامل مجرد و غیرمادی نیز در حوزه اقتصاد جایگاه ویژه ای دارد و نظم طبیعی سببیت و مسببیت محدود به جهان ماده نیست لذا باید در تجزیه و تحلیل ها و سیاست گذاری به عوامل معنوی نیز توجه نمود.

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (اعراف ۹۶)

و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم؛ ولی (آنها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.

انسان شناسی

- ا. هدف از آفرینش انسان، حرکت به سوی کمال و عبادت است.
- ب. دو بعدی بودن اشرف مخلوقات (روح و جسم)
- ج. مختار و آزاد بودن انسان
- د. ارزش های اخلاقی
- ه. خلیفه و مسئول بودن در برابر خویش مالکی

نکته: افراد در جامعه هویت مستقل دارند ولی با توجه به تاثیر و تاثيرها از اندیشه ها، عواطف، باورها، آداب و رسوم و منافع مشترک هویت جامعه از قدر مشترک هویت افراد انتزاع می گردد لذا نه اعتباری است و نه مستقل از افراد از اینرو در قرآن کریم هم هویت فردی (کل نفس بما کسبت رهینه - مدثر ۳۸-) و هم هویت جمعی (لها ما کسبت و لکم ما کسبتم - بقره ۱۴۱-) مورد خطاب قرار گرفته اند

جلسه نهم: هدف های کلان نظام اقتصادی اسلام

۱. هدف های کلان نظام عام اجتماعی یعنی مقاصدی که نظام برای رسیدن به آن طراحی شده است که نتیجه مبانی بینشی می باشد.
۲. اهداف اگرچه به ظاهر بین همه نظام های اقتصادی مشترک می باشند از حیث تفسیر، اولویت و روش دستیابی متفاوت می باشند.

۳. در نظام سرمایه‌داری هدف غایی، رفاه با مفهوم خاص خود است و رشد و عدالت توزیعی هدف میانی شمرده شده می‌شود و کارایی، اشتغال کامل، ثبات قیمت‌ها، حفظ محیط زیست و آموزش و سلامتی مردم از اهداف قریب اقتصادی اند که بصورت مستقیم هدف سیاست‌ها قرار می‌گیرد.

۴. در نظام سرمایه‌داری سعادت فرد و جامعه براساس مکتب فایده‌گرایی که مبتنی بر اصالت لذت روانی است معنا می‌یابد و واقعیت‌ها از ارزش تهی می‌شود بلکه ارزش از داوری فرد براساس امیال و آرزوهایش ناشی می‌گردد.

۵. هدف غایی در این اندیشه بیشترین خوشی برای بیشترین افراد می‌باشد و لذت جسمی از مصرف کالا و خدمات حاصل می‌شود لذا هر آنچه لذت آور باشد خوب است (good) لذا رشد اقتصادی اهمیت ویژه می‌یابد و حتی اگر بی‌عدالتی موجب افزایش سرجمع کل لذت جامعه شود، مطلوب خواهد بود.

۶. در نظام اسلامی توسعه به مفهوم عام آن با توسعه اقتصادی برابر نیست بلکه ابعاد دیگر را نیز شامل می‌شود

هدف غایی نظام اقتصادی اسلام

۱. هدف غایی در اندیشه اسلامی، سعادت فرد و جامعه در چارچوب خاص است و هدف‌های میانی متعددی آن را سامان می‌دهد مانند زندگی گوارا، توسعه دانایی، رشد ایمان و بالفعل نمودن ظرفیت‌های هستی

۲. حب الذات غریزه اساسی در نهاد و نهان آدمیان می‌باشد و ترجیح لذتها براساس ۴ قاعده عقلی صورت می‌گیرد: بیشتر بر کمتر، پایدار بر ناپایدار، حال بر آینده و باکیفیت‌تر بر کم کیفیت‌تر ترجیح دارد لیکن اختلاف بینشی سبب تفاوت در تشخیص مرتبه لذتها از حیث کمی، کیفی و پایداری می‌شود.

۳. در نظام مبتنی بر اصالت ماده، لذت و اله، مادی و دنیایی تفسیر می‌شود و تمامی سعی و تلاشها در بیشینه و کمینه کردن آنها صرف می‌گردد.

۴. در نظام الهی انسان دو بعد دارد و دو مرحله حیات - دنیای موقت و آخرت پایدار - لذا لذتها تقسیم به لذت‌های بدنی، روحی، دنیوی و اخروی می‌شوند. عقل به ترجیح لذت‌های اخروی بیشتر، متعالی‌تر و پایدارتر بر لذت‌های زودگذر، پست و کمتر دنیوی حکم می‌کند. اسلام نیز ما را به سمت خوشی‌های برتر و بیشتر و پایدارتر راهنمایی می‌کند.

۵. از دیدگاه اسلام انسانی سعادت‌مند است که سرجمع لذت‌های دنیوی و اخروی‌اش بیشینه شود.

وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ ۖ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا ۚ وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ ۖ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (قصص ۷۷)

و با آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب؛ و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن؛ و همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن؛ و هرگز در زمین در جستجوی فساد مباش، که خدا مفسدان را دوست ندارد!

در نامه ۲۷ نهج البلاغه آمده است:

وَأَعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ الْمُتَّقِينَ ذَهَبُوا بِعَاجِلِ الدُّنْيَا وَ أَجَلَ الْآخِرَةِ، فَشَارَكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ وَ لَمْ يُشَارِكْهُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا فِي آخِرَتِهِمْ؛ سَكَنُوا الدُّنْيَا بِأَفْضَلِ مَا سَكَنَتْ وَ أَكَلُوهَا بِأَفْضَلِ مَا أَكَلَتْ، فَحَظُّوا مِنَ الدُّنْيَا بِمَا حَظَّ بِهِ الْمُتَرَفُّونَ وَ أَخَذُوا مِنْهَا مَا أَخَذَهُ الْجَبَابِرَةُ الْمُتَكَبِّرُونَ؛ ثُمَّ انْقَلَبُوا عَنْهَا بِالزَّادِ الْمُبْلَغِ وَ

الْمُتَجَرِّ الرَّابِعُ، أَصَابُوا لَذَّةَ زُهْدِ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ وَتَيَقَّنُوا أَنَّهُمْ جِيرَانُ اللَّهِ عَدَاً فِي آخِرَتِهِمْ، لَا تُرَدُّ لَهُمْ دَعْوَةٌ وَلا يَنْقُصُ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنْ لَذَّةٍ.

آگاه باشید ای بندگان خدا پرهیزکاران از دنیای زودگذر به سلامت گذشتند و آخرت جاودانه را گرفتند. با مردم دنیا در دنیاشان شریک گشتند، اما مردم دنیا در آخرت آنها شرکت نکردند. پرهیزکاران در بهترین خانه های دنیا سکونت کردند، و بهترین خوراک های دنیا را خوردند، و همان لذت هایی را چشیدند که دنیاواران چشیده بودند، و از دنیا بهره گرفتند آنگونه که سرکشان و متکبران دنیا بهره مند بودند. سپس از این جهان با زاد و توشه فراوان، و تجارتی پر سود، به سوی آخرت شتافتند. لذت پارسایی در ترک حرام دنیا را چشیدند، و یقین داشتند در روز قیامت از همسایگان خداوند، جایگاهی که هر چه درخواست کنند، داده می شود، و هر گونه لذتی در اختیارشان قرار دارد.

زندگی گوارا

۱. زندگی گوارا ۵ عنصر دارد: سلامتی، امنیت، وسعت روزی، روابط سالم اجتماعی (نهاد خانواده متعالی) و آسایش (آرامش روحی و روانی)^{۱۸}

وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى (طه، ۱۲۴)

و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت؛ و روز قیامت، او را نابینا محسوس می کنیم! خداوند تبارک و تعالی فرمود: آیا می دانی کدام زندگی گواراتر و کدام زیستن پایدارتر است؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد: خدایا! نمی دانم. خداوند تبارک و تعالی فرمود: آن زندگی گواراتر است که صاحب آن هیچ گاه در ذکر و یاد من سست نشود و هیچ گاه نعمت من را فراموش نکند و هیچ گاه نسبت به حق من جاهلی و نادانی نکند و شب و روز که بر او می گذرد به دنبال آن باشد که رضا و خشنودی مرا به دست آورد

جلسه دهم: اهداف کلان نظام اقتصادی اسلام

۱. هدف های کلان نظام عام اجتماعی یعنی مقاصدی که نظام برای رسیدن به آن طراحی شده است که نتیجه مبانی بینشی می باشد.
۲. در نظام سرمایه داری هدف غایی، رفاه با مفهوم خاص خود است و رشد و عدالت توزیعی هدف میانی شمرده شده می شود و کارایی، اشتغال کامل، ثبات قیمت ها، حفظ محیط زیست و آموزش و سلامتی مردم از اهداف قریب اقتصادی اند که بصورت مستقیم هدف سیاست ها قرار می گیرد.

^{۱۸} وَ قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: خَمْسُ خِصَالٍ مَنْ فَقَدَ وَاحِدَةً مِنْهُنَّ لَمْ يَزَلْ نَاقِصَ الْعَيْشِ زَائِلَ الْعَقْلِ مَشْغُولَ الْقَلْبِ فَأَوَّلُهَا صِحَّةُ الْبَدَنِ وَ الثَّانِيَةُ الْأَمْنُ وَ الثَّالِثَةُ السَّعَةُ فِي الرِّزْقِ وَ الرَّابِعَةُ الْأَنْبَسُ الْمُوَافِقُ قُلْتُ وَ مَا الْأَنْبَسُ الْمُوَافِقُ قَالَ الزَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ وَ الْوَلَدُ الصَّالِحُ وَ الْخَلِيطُ الصَّالِحُ وَ الْخَامِسَةُ وَ هِيَ تَجْمَعُ هَذِهِ الْخِصَالَ أَدْعُهُ .

۳. هدف غایی در این اندیشه بیشترین خوشی برای بیشترین افراد می‌باشد و لذت جسمی از مصرف کالا و خدمات حاصل می‌شود لذا هر آنچه لذت آور باشد خوب است (good) لذا رشد اقتصادی اهمیت ویژه می‌یابد و حتی اگر بی‌عدالتی موجب افزایش سرجمع کل لذت جامعه شود، مطلوب خواهد بود.
۴. در نظام الهی انسان دو بعد دارد و دو مرحله حیات – دنیای موقت و آخرت پایدار – لذا لذت‌ها تقسیم به لذات بدن، روحی، دنیوی و اخروی می‌شوند. عقل به ترجیح لذات اخروی بیشتر، متعالی‌تر و پایدارتر بر لذت‌های زودگذر، پست و کمتر دنیوی حکم می‌کند. اسلام نیز ما را به سمت خوشی‌های برتر و بیشتر و پایدارتر راهنمایی می‌کند.
۵. حب الذات غریزه اساسی در نهاد و نهان آدمیان می‌باشد و ترجیح لذت‌ها براساس ۴ قاعده عقلی صورت می‌گیرد: بیشتر بر کمتر، پایدار بر ناپایدار، حال بر آینده و باکیفیت‌تر بر کم کیفیت‌تر ترجیح دارد لیکن اختلاف بینشی سبب تفاوت در تشخیص مرتبه لذت‌ها از حیث کمی، کیفی و پایداری می‌شود.
۶. زندگی گوارا ۵ عنصر دارد: سلامتی، امنیت، وسعت روزی، روابط سالم اجتماعی (نهاد خانواده متعالی) و آسایش (آرامش روحی و روانی)^{۱۹}

هدف میانی

برای رسیدن به رفاه سعادتمند و زندگی گوارا باید سه امر تحقق یابد که از آنها به اهداف میانی نام می‌برند: عدالت، امنیت و بارور کردن استعدادها

۱. **عدالت اقتصادی** یکی از شاخه‌های عدالت است و به معنای دستیابی افراد جامعه به نصیب خویش از ثروت‌ها و درآمدهای جامعه است.^{۲۰}
- سؤال اساسی: مرجع تعیین حق به‌سهم‌بری از این ثروت کیست؟ بشر یا خالق بشر
۲. **امنیت اقتصادی** از نگاه خرد، مصون بودن اموالی که براساس قوانین به تملک فرد درآمده از خطر تعدی افراد و حاکمیت و از نگاه کلان یعنی اطمینان و عدم خطر نسبت به فعالیت‌های اقتصادی و ثروت‌های جامعه و حفاظت از حقوق مالکیت و اموال جامعه
۳. **بالفعل کردن ظرفیت‌ها** به منظور تامین نیازمندی‌های جامعه و قوام زندگی با استفاده بهینه از آنها

اهداف عملیاتی

۱. اهداف عملیاتی برای رسیدن به اهداف میانی لازم بوده و هدف مستقیم سیاست‌های اقتصادی می‌باشد

^{۱۹} وَ قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: خَمْسُ خِصَالٍ مَنْ فَقَدَ وَاحِدَةً مِنْهُنَّ لَمْ يَزَلْ نَاقِصَ الْعَيْشِ زَائِلَ الْعَقْلِ مَشْغُولَ الْقَلْبِ فَأُولَئِكَ صِحَّةُ الْبَدَنِ وَ الثَّانِيَةُ الْأَمْنُ وَ الثَّلَاثَةُ السَّعَةُ فِي الرِّزْقِ وَ الرَّابِعَةُ الْأَنْبَاسُ الْمُوَافِقُ قُلْتُ وَ مَا الْأَنْبَاسُ الْمُوَافِقُ قَالَ الرُّوْجَةُ الصَّالِحَةُ وَ الْوَلَدُ الصَّالِحُ وَ الْخَلِيطُ الصَّالِحُ وَ الْخَامِسَةُ وَ هِيَ تَجَمُّعُ هَذِهِ الْخِصَالِ الدَّعَةُ .

^{۲۰} در اندیشه مادی اگر بی‌عدالتی منجر به کاهش سرجمع کل لذت در جامعه شود باید با آن مقابله کرد.

۲. همه این اهداف ضرورتی ندارد به وسیله آموزه‌های دین بیان شود بلکه به کمک عقل و با استفاده از دانش بشری دست یافتنی است چراکه تابع شرایط متغیر زمانی و مکانی می‌باشند.
 ۳. رفع فقر، توازن اقتصادی و عدم تجمع ثروت نزد سرمایه‌داران، کنترل سطح عمومی قیمت‌ها، رشد کالاهای مورد نیاز و استفاده بهینه از سرمایه‌ها را می‌توان از این اهداف شمرد.
- از حضرت امام علی (علیه السلام) نقل شده که فرمودند: «مَنْ ابْتَلَى بِالْفَقْرِ ابْتَلَى بِأَرْبَعِ خِصَالٍ: بِالضَّعْفِ فِي يَقِينِهِ، وَ النُّقْصَانِ فِي عَقْلِهِ وَ الرِّقَّةُ فِي دِينِهِ، وَ قِلَّةُ الْحَيَاءِ فِي وَجْهِهِ، فَتَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْفَقْرِ» (کسی که مبتلا به فقر شود مبتلا به چهار خصلت می‌گردد: به ضعف در یقین، نقصان و کمبود در عقل، سستی در دین و کمبود حیاء در صورتش - یعنی فقر موجب بی حیائی و پاره شدن پرده حیا می‌شود - پس پناه می‌بریم به خدا از فقر)

اصول راهبردی

۱. اصول راهبردی، قواعد کلی است که نتیجه منطقی مبانی بینشی بوده و در تعیین الگوهای رفتاری و کیفیت برقراری رابطه مردم با یکدیگر و حکومت نقش اساسی دارد همچنین روش دستیابی به اهداف و حل مشکلات را در یک نظام اقتصادی نشان می‌دهد.
۲. فلسفه وجودی نظام اسلامی، تبدیل جامعه موجود به جامعه سعادت‌مند می‌باشد
۳. اصول راهبردی نظام سرمایه‌داری عبارتند از: حاکمیت امیال^{۲۱} و خواسته‌ها نه نیازها^{۲۲}، دولت محدود، آزادی، مالکیت خصوصی، قواعد توزیع درآمد و ثروت براساس پذیرش ربا

جلسه یازدهم: اصول راهبردی نظام اقتصادی اسلام

۱. نظام به مجموعه ای از اجزای به هم وابسته گفته می‌شود که در راه نیل به هدفهای معین با هم هماهنگی دارند. این تعریف که با معنای لغوی کلمه نظام تناسب دارد، تعریفی عام است و شامل نظامهای تکوینی، همچون نظام خلقت و نظامهای مصنوع انسان، مانند نظام حاکم بر اجزای یک ماشین و نظامهای مربوط به اداره امور مردم (نظام عام زندگی) می‌شود. بر این اساس، نظام اقتصادی، مجموعه ای از الگوهای رفتاری فرض می‌شود که دولت و مردم را به یکدیگر و به اموال و منابع در راستای اهداف معین - همچون عدالت، امنیت، رشد و توسعه - پیوند می‌دهند.
۲. در نظام سرمایه‌داری که بر اساس دئیسم، فردگرایی و ماده گرایی بنا شده، هدف غایی نظام عام زندگی، افزون بر رفاه و هدف متوسط در مرتبه اول، رشد تولید و پس از آن عدالت توزیعی است. البته با توجه به مبانی فلسفی مادی و فردگرایانه این نظام، رفاه به «رفاه مادی و فردی» تفسیر شده و عدالت توزیعی نیز با نگرش فایده گراییانه مطرح گردیده است. براساس این تفسیر، هر توزیعی که سرجمع کل لذت جامعه را افزون کند عادلانه است

^{۲۱} امیال با کمک سرمایه تبدیل به تقاضای بالفعل می‌شود

^{۲۲} تولید وسیله و مصرف، هدف است و تولیدکنندگان با برطرف کردن نیاز مصرف کنندگان به وسیله بازگشت هزینه ها و سود تشویق می‌شوند.

۳. هر نظام اقتصادی بر دو مبنا استوار است؛ مبنای فلسفی و مبنای مکتبی. مبنای فلسفی بیانگر جهان بینی حاکم بر نظام و زیربنای اعتقادی آن است و مبنای مکتبی قواعد است که از سویی به صورت منطقی از مبنای فلسفی نتیجه می شود و از سوی دیگر در تعیین اجزای نظام و شکل گیری و شیوه ارتباط شرکت کنندگان در آن مؤثر است و نوع روش در پیشبرد جامعه به سمت اهداف اقتصادی را نشان می دهد.
۴. اصول راهبردی، قواعد کلی است که نتیجه منطقی مبنای بینشی بوده و در تعیین الگوهای رفتاری و کیفیت برقراری رابطه مردم با یکدیگر و حکومت نقش اساسی دارد همچنین روش دستیابی به اهداف و حل مشکلات را در یک نظام اقتصادی نشان می دهد.
۵. اسلام به دنبال تعدیل است، نه جلو سرمایه را می گیرد و نه می گذارد که سرمایه در دست عده ای محدود جمع شود. برنامه های اسلام تفاوت فاحش درآمدی بین مردم را کاهش می دهد و بنابراین اگر در جامعه اسلامی اختلاف طبقاتی شدید وجود داشته باشد، آن جامعه فقط صورت اسلامی دارد و از محتوای اسلام بی بهره است
۶. رشد تولید در بخشهای کشاورزی، صنعت و خدمات، هدفی در عرض اهداف دیگر نیست، بلکه باید در طول اهدافی همچون رفع فقر و ایجاد رفاه عمومی و تعدیل ثروت و استقلال^{۳۳} به شمار آید
۷. در نظام اقتصادی اسلام، پول فقط واسطه ای در معاملات است و نمی تواند بدون تبدیل شدن به سرمایه یا کالا منشأ درآمد باشد و لذا بهره در این نظام ممنوع است و بازارهای مالی اعتباری ربوی در آن وجود ندارد و رفتار مردم تابع متغیرهایی همچون قیمت و مقدار و سود و امثال آن می باشد.

اصول راهبردی

حاکمیت مصالح فرد و جامعه در حوزه اقتصاد

۱. در نظام اقتصادی اسلام، مصالح فرد و جامعه حاکم است و براین اساس اختیارات دولت، مالکیت، آزادی و بازار کنترل می شود.
۲. مصلحت، مراقبت از مقاصد و هدفهای خالق حکیم است و به عبارتی محافظت از دین، جان، عقل، نسل و اموال مردم
۳. مصلحت ارزش مدار است و با مفهوم سعادت ارتباطی نزدیک دارد
۴. سعادت یعنی برخورداری از لذائذ متعالی، بیشتر و پایدار در حیات که برای شناخت عناصر آن نیازمند راهنمایی وحی در کنار خرد و حکمت هستیم^{۳۴}
۵. نیاز در اندیشه اسلامی مرتبط با سعادت (بیشینه نمودن سرجمع لذتهای دنیوی و اخروی) مفهوم پیدا می کند لیکن در اندیشه مادی همزاد میل و هوای نفس می باشد

^{۳۳} از دیدگاه امام خمینی، رشد واقعی رشدی بر پایه نیازهای اساسی اکثریت مردم و حفظ استقلال کشور است.

^{۳۴} لازم به ذکر است عقل از درک راه وصول به لذتهای اخروی و چگونگی ارتباط لذتهای دنیوی و اخروی ناتوان است لذا حکمت بسیاری از محدودیت های شرعی برای بشر مبهم است. دلیل حرمت خوردن و نوشیدن برخی از خوراکی ها و مایعات و یا برخی از افعال، ضرر و زیانی است که بر پیکر و روان انسان وارد می شود و در نتیجه منجر به کاهش لذت دنیوی و اخروی می شود.

۶. تفاوت هوای نفس و نیاز در آن است که اولی خواسته بدون کنترل و رهاست لیکن دومی مهار شده و تعدیل یافته توسط عقل و شرع برای سلامت بدن و روان

وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُ^{۲۵}

کافران به شهوت رانی و شکم پرستی مانند حیوانات می‌پردازند و سرانجام آنها آتش دوزخ خواهد بود.

آزادی و مسئولیت اقتصادی مردم

۱. تبیین مفهوم و قلمرو آزادی^{۲۶} و مسئولیت مردم در زمینه رفتارها و مناسبات اقتصادی بر تعیین نوع نظام حاکم و قالب‌بندی سیاست‌ها اثرگذار است.
۲. آزادی برای انسان نعمتی الهی برشمرده می‌شود و به معنای رهایی از قید و بندهایی است که انسان را از بندگی خالق حکیم باز می‌دارد به عبارت دیگر عدم اطاعت از غیر خدا و پذیرش بدون شرط احکام و فرامین الهی
۳. آزادی یعنی نفی وابستگی به امیال نفسانی و افراد و اشیای بیرونی از این‌رو حضرت امیرالمومنین ع فرمودند: هرکس شهوات خود را ترک کند، آزاد است.
۴. آزادی مقدمه برای وصول و رسیدن به سعادت است لذا ارزش ذاتی ندارد.
۵. انسان آزاد است در اموال و حقوق خود هرگونه تصرفی را که خواست انجام دهد ولی مسئول است که از این آزادی در مسیر کمال و ترقی نفس و روحش بهره‌برد.
۶. پاسخگویی یک حقیقت اسلامی است؛ این همان مسئولیت است. مسئولیت، یعنی هر انسانی در هر مرتبه‌ای که هست، در درجه‌ی اول از خود سؤال کند، ببیند رفتار و گفتار و تصمیم‌گیری او تحت تأثیر چه بود؛ عاقلانه و بر اساس پرهیزگاری بود، یا خودخواهانه و برای شهوات و اغراض شخصی بود.

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ ۚ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا^{۲۷}

از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن، چرا که گوش و چشم و دل^{۲۸}، همه مسئولند.

۷. از مسئولیت‌های مردم، کمک به تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام – زندگی گوارا (گسترش عدالت، رفع فقر، رفاه، رشد و آبادانی زمین) – است و نقد خیرخواهانه برنامه‌ها و سیاست‌های دولت در کنار پیشنهاد حل مشکلات می‌یاشد.

^{۲۵} سوره محمد ص، آیه ۱۲

^{۲۶} در اندیشه سرمایه‌داری، آزادی یعنی فقدان مانع خارجی

^{۲۷} سوره اسراء آیه ۳۶

^{۲۸} از هویت واقعی انسان به «قلب» تعبیر می‌شود

وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ ۖ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ^{۲۹}

و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید! و

از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید که مجازات خدا شدید است!

۸. مسئولیت نسبت به اموال خود چنانچه حضرت امام سجاد ع می‌فرمایند: حق مال آنست که تنها از حلال به دست آوری و تنها در راه حلال خرج نمایی
۹. مسئولیت نسبت به اموال دیگران، مال مسلمان محترم است و نباید مورد تعدی قرار گیرد.
۱۰. هر امری که به مصالح امت و اداره امور مملکت مربوط شود رهبر جامعه بر آن ولایت دارد و آنچه مربوط به مصالح افراد جامعه باشد، موکول به خود آنهاست تا در چارچوب و حدود شرعی طبق صلاحدید خویش عمل نمایند.

جلسه دوازدهم: اصول راهبردی نظام اقتصادی اسلام

مالکیت

۱. در نظام اقتصاد اسلام از آغاز با توجه به مبانی عقیدتی و فلسفی اش به طور همزمان سه نوع مالکیت - فردی، عمومی^{۳۰}، دولتی^{۳۱} - با موضوعهای مشخص در کنار یکدیگر به رسمیت شناخته و تفاوت اساسی مالکیت عمومی و دولتی از جهت حقوقی این است که درآمدهای ایجاد شده از مالکیت عمومی باید به وسیله دولت یا ولی امر صرفاً به مصارف جمعی و عمومی مردم، مثلاً ساختن راه، پل و ...، برسد، اما ثروتهای دولتی علاوه بر آنکه می‌تواند به مصارف عمومی برسد، برای کمک به گروههای خاص اجتماعی قابل مصرف است
۲. مالکیت عمومی در نظام اقتصادی اسلام از جهان بینی اسلام و حق انسان بر منابع طبیعی سرچشمه گرفته و مالکیت دولتی نیز با توجه به تلقی اسلام از جایگاه دولت و نقش آن در اقتصاد معین شده است.

توزیع ثروتهای طبیعی (زمین، آبهای طبیعی، معادن، مباحات عامه^{۳۲})

۱. در مورد الگوی توزیع ثروتهای طبیعی بین مکتبهای اقتصادی اختلاف وجود دارد. مکتب سرمایه داری مالکیت ثروتهای طبیعی برای افراد را آزاد و جائز می‌داند و برای آن محدودیتی قائل نیست لیکن در مکتب مارکسیسم توزیع ثروتهای طبیعی کاملاً به شکل سیستم تولیدی با توجه به مراحل ۵ گانه تاریخی بستگی دارد.

^{۲۹} سوره مائده، آیه ۲

^{۳۰} زمینهایی که با جنگ به دست مسلمین می‌افتد و در هنگام فتح، آبادند معتقدند که اینها ملک کسی نیست، بلکه وقف مصالح مسلمین است. مسلمین مالک رقبه این زمینها و همچنین مالک منافع آنها نیستند، ولی منافع آنها باید در جهت مصالح عامه مسلمین مثل تأمین لشکر و جهاد، تشکیل حکومت، تعمیر راهها و ایجاد پل، اموری از این قبیل صرف شود

^{۳۱} زمینهای آباد طبیعی که بشر آنها را آباد نکرده است، مانند جنگلها، نزارها و بیشه ها، جزء انفالند و تصرف در آنها باید به اجازه دولت باشد.

^{۳۲} مقصود از سایر ثروتهای طبیعی ثروتهایی است که در دل دریاها یا جنگلها یا بیابانها و کوهها وجود دارند، همچون ماهیها، مروارید، مرجان یا درختان و حیوانات وحشی.

۲. در نظریه اسلام از یک طرف تملک ثروتهای طبیعی به وسیله افراد تا حدودی شناخته شده است و از طرف دیگر توزیع از شکل تولید جدا است و نحوه توزیع به نیازهای انسان ارتباط دارد، نه به سیستم تولیدی. این نیازها باید در حدودی که حافظ انسانیت فرد هستند، تأمین شوند
۳. اسلام مالکیت خصوصی مباحات عامه را بر اساس کار متناسب و لازم برای حیات^{۳۳} آنها، مشروع دانسته است

توزیع درآمد

۱. در اقتصاد سرمایه داری این گونه استدلال می شود که چون تولید معمولاً با اشتراک و همکاری کار و سرمایه انجام می شود، محصول باید به نسبت سهم هر یک از آن دو در تولید تقسیم گردد و این سهم به وسیله عرضه و تقاضای هر یکی از آن دو، در بازار رقابت معین می شود. «ژان باتیست سه»، کارفرما یا مدیر اقتصادی را محور توزیع و صاحب سود معرفی می کند. بر این اساس بقیه عوامل از جمله صاحبان ابزار تولید فقط می توانند اجرت ثابت دریافت دارند.
۲. در اقتصاد سوسیالیستی چنین استدلال می شود که منشأ ایجاد ارزش معاملی و منشأ مالکیت آن، با هم مرتبط است و سهم کار و سرمایه در محصول به اندازه ارزشی است که هر یک در آن ایجاد کرده اند و چون سرمایه فقط به مقدار استهلاک خود در محصول ارزش ایجاد می کند، به همان مقدار در محصول شریک است و بقیه، ارزشی است که نیروی کار آفریده و از آن اوست
۳. نظریه اسلام با هر دو نظر فوق متفاوت است. در اسلام بر خلاف سوسیالیسم، بین مالکیت و ارزش ایجاد شده در محصول تلازمی نیست. حتی اگر بپذیریم که مقدار استهلاک سرمایه در ایجاد ارزش دخیل است، این امر مستلزم آن نیست که برای صاحب سرمایه حقوقی مالکانه در محصول قائل شویم. همچنین در اسلام برخلاف سرمایه داری نیروی کار می تواند مالک سهمی از محصول تولیدی یا سود حاصل از تولید گردد.
۴. روشهای پرداخت مزد در اسلام

عامل تولید	روش های پرداخت	
	اجرت ثابت	شرکت در منافع
نیروی کار	+	+
ابزار تولید	+	+
زمین	+	+
سرمایه نقدی	-	+

مراد از سرمایه نقدی، پول است و اجرت ثابت در ازای آن همان قرض ربوی است.

^{۳۳} بدست آوردن و گرفتن آنها مانند صید ماهی

۵. معنای تغییر قیمت کالا، تغییر ارزش کار ذخیره شده در آن کالا است، کما اینکه تغییرات اجرت زمین، ماشین و امثال آن در حقیقت به معنای تغییر ارزش منافع کار ذخیره شده در این امور است و کسی که مالک کار ذخیره شده در کالا است، مالک تغییرات ارزش آن یا تغییرات ارزش منافع آن نیز خواهد بود.

۶. در دستگاه توزیعی که نظام اقتصاد اسلامی به آن پرداخته است، «کار» و «نیاز» را می توان به عنوان دو معیار اساسی معرفی کرد. در مرحله «قبل از تولید» یعنی «توزیع ثروتهای طبیعی» و مرحله «بعد از تولید»، معیار «کار» نقش خود را ایفا می کند، در حالی که در مرحله «توزیع مجدد درآمد» معیار «نیاز» اهمیت می یابد. البته احکام اسلامی نشان می دهد که نظام اقتصادی اسلام با در نظر گرفتن چنین نهادهایی فقط به دنبال تأمین حداقل معیشت فقرا نیست، بلکه آن مقدار از منابع تعیین شده به فقرا پرداخت می گردد که هم فقر شدید آنان زایل شود و هم کمبود درآمد آنان تأمین گردد تا به سطح معمولی و متعارف زندگی اجتماعی برسند.